

## Research Paper

# Policy Network Analysis in Policy Implementation a Case Study of Customs, Tax and Financing Incentives in the Law on Supporting Knowledge-based Companies



\*Zohreh Karimmian<sup>1</sup> , Mehdi Mohammadi<sup>1</sup> , Seyyed Sepehr Ghazinoory<sup>2</sup> , Mohammad Mahdi Zolfagharzadeh<sup>3</sup>

1. Department of Industrial Management, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Department of Information Technology Management, Faculty of Management and Economics, University of Tarbiat Modarres, Tehran, Iran.

3. Department of Governmental Management, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran.

Use your device to scan  
and read the article online



**Citation:** Karimmian, Z., Mohammadi, M., Ghazinoory, S. S., & Zolfagharzadeh, M. (2021). [Policy Network Analysis in Policy Implementation a Case Study of Customs, Tax and Financing Incentives in the Law on Supporting Knowledge-based Companies (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 11(39), 24-45.



Received: 10 Jun 2020

Accepted: 11 Nov 2020

Available Online: 01 Aug 2021

### Keywords:

Policy network, Law on supporting knowledge-based companies, Social network analysis, Fuzzy cognitive mapping

### ABSTRACT

Policy networks is considered as sets of governmental and non-governmental actors in the development & implementation of public policies that have institutional relations with each other and show the relationships between actors, the dependencies and the flow of resources between them. Policy network analysis can show patterns of relationships, roles, resources, relationships, and power distribution in policy formulation and implementation. Policy networks have different functions, and they can improve governance in policy process. Accordingly, this paper analyzes the policy network of actors the implementation of the Law on Supporting Knowledge-Based Companies and to provide important factors at the level of network structure and network functions in order to provide implications for improving network performance. For this purpose, it uses social network analysis and fuzzy cognitive mapping and targets customs, tax and financing incentives. The findings show that coordination function is the most important component in all three policy networks. After that, in financing and customs networks, the structure of the information exchange network and in the tax network, the creation of common goals, norms and values has been the most important component (affected by existing conflicts over the necessity and manner of granting tax exemptions). The least important thing in all three networks was the legitimacy function affected by hierarchical and bureaucratic structure and thus less need to legitimacy of actions.

### \* Corresponding Author:

Zohreh Karimmian, PhD.

Address: Department of Industrial Management, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran.

E-mail: karimmian@ut.ac.ir

## مقاله پژوهشی

# تحلیل شبکه سیاستی نقش‌آفرینان در پیاده‌سازی سیاست‌ها مطالعه موردی حمایت‌های گمرکی، مالیاتی و تأمین مالی در قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان

\* زهره کریم‌میان<sup>۱</sup>، مهدی محمدی<sup>۱</sup>، سید سپهر قاضی نوری<sup>۲</sup>، محمد مهدی ذوالفقارزاده<sup>۳</sup>

۱. گروه مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. گروه مدیریت فناوری اطلاعات، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۳. گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

## چکیده

شبکه سیاستی را می‌توان مجموعه نقش‌آفرینان دولتی و غیردولتی در تدوین و اجرای سیاست‌های عمومی دانست که با یکدیگر ارتباط نهادی داشته و روابط میان این نقش‌آفرینان، وابستگی‌های و جریان منابع میان آن‌ها را نشان می‌دهد. تحلیل شبکه سیاستی می‌تواند الگوهای روابط، نقش‌ها، منابع، روابط و توزیع قدرت در تدوین و پیاده‌سازی سیاست‌ها را نشان دهد. شبکه‌های سیاستی کارکردهای مختلفی را محقق می‌کنند و در تدوین و پیاده‌سازی سیاست‌ها می‌توانند حکمرانی خردمنظام سیاستی و در نتیجه عملکرد پیاده‌سازی سیاست را بهبود بخشند. بر این اساس، این مقاله به دنبال آن است که شبکه سیاستی نقش‌آفرینان در پیاده‌سازی قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان را تحلیل کند و عوامل مهم در سطح ساختار و کارکرد شبکه را به منظور ارائه دلالت‌هایی برای بهبود عملکرد شبکه ارائه کند. بدین منظور از تحلیل شبکه اجتماعی و نگاشت‌شناختی فازی بهره می‌گیرد و حمایت‌های گمرکی، مالیاتی و تأمین مالی را هدف قرار می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که کارکرد هماهنگی، مهم‌ترین مؤلفه در هر سه شبکه سیاستی است که منطبق بر یافته‌های ادبیات در خصوص اساسی بودن مسئله هماهنگی است. بعد از آن در شبکه‌های مالی و گمرکی ساختار شبکه تبادل اطلاعات و در شبکه مالیاتی، ایجاد اهداف، هنجارها و ارزش‌های مشترک (متأثر از تعارضات موجود بر سر ضرورت و چگونگی اعطای معافیت مالیاتی) مهم‌ترین مؤلفه بوده است. کمترین اهمیت در هر سه شبکه نیز مربوط به کارکرد مشروعیت‌بخشی بوده که این امر متأثر از ساختار سلسله‌مراتبی و بوروکراتیک اجرای قانون و در نتیجه، کم‌اهمیت شدن مشروعیت‌بخشی به اقدامات نقش‌آفرینان است.

تاریخ دریافت: ۲۱ خرداد ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۲۱ آبان ۱۳۹۹

تاریخ انتشار: ۱۰ مرداد ۱۴۰۰

## کلیدواژه‌ها:

شبکه سیاستی، قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، تحلیل شبکه اجتماعی، نگاشت‌شناختی فازی

\* نویسنده مسئول:

دکتر زهره کریم‌میان

نشانی: تهران، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت، گروه مدیریت صنعتی.

پست الکترونیکی: karimmian@ut.ac.ir

## مقدمه

و الگوهای مسئولیت‌ها<sup>۱</sup>، پاسخ‌دهی<sup>۲</sup>، اقتدار<sup>۳</sup>، منابع<sup>۴</sup>، روابط<sup>۵</sup> و قدرت<sup>۶</sup> در یک فرایند سیاست‌گذاری ارائه دهد (Bainbridge, Potts and O'Higgins, 2011).

این تحلیل، یک بستر تحلیلی قوی را برای درک بهتر پویایی‌ها و ویژگی‌های فضای سیاست‌گذاری فراهم می‌کند. رویکرد شبکه‌ای فرض می‌کند که دستاوردهای سیاستی<sup>۷</sup>، نتیجه تعامل راهبردهای نقش‌آفرینان مختلف است (van Meerkerk, Edelenbos, and Klijin, 2015).

بنابراین تحلیل شبکه‌های سیاستی از منظر عوامل مرتبط با کارکرد و ساختار شبکه انجام می‌شود که عوامل کارکردی خود از عوامل ساختار اثر می‌پذیرند. هنگامی که عوامل سطح شبکه برای توضیح موفقیت و یا عدم موفقیت فرایندهای سیاستی در نظر گرفته شود، ساختار و کارکرد شبکه مرتبط می‌شوند.

بر این اساس، چارچوبی که بتواند با مرتبط کردن ساختار و کارکرد شبکه بر اساس اقتضانات شبکه سیاستی مرتبط، آن را تحلیل کرده و عوامل مهم در این دو سطح را شناسایی کند، می‌تواند برای ارائه دلالت‌های سیاستی لازم به منظور بهبود وضعیت شبکه مفید واقع شود. در این مقاله، شبکه‌های سیاستی در حلقه پیاده‌سازی سیاست از فرایند سیاست‌گذاری عمومی مورد توجه بوده‌اند و اجرای حمایت‌های مالی، مالیاتی و گمرکی قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها به عنوان مورد مطالعه انتخاب شده است.

شبکه‌ها به صورت گسترده در زندگی اقتصادی و اجتماعی مدرن حضور دارند. به همین خاطر به عنوان یکی از «پارادایم‌های شکل‌دهنده عصر مدرن» و همچنین «استعاره غالب زمانه حاضر» در نظر گرفته می‌شوند.

الگوی شبکه اجازه می‌دهد تا مجموعه بزرگی از پدیده‌ها توصیف شوند، به‌ویژه پدیده‌هایی که شامل ارتباطات یا تعاملات بین افراد، تیم‌ها، سازمان‌ها و غیره می‌شوند.

شبکه‌ها، ساختارهای رسمی یا غیررسمی هستند که نقش‌آفرینان (افراد و سازمان‌ها) را که دارای منافع مشترک در مورد یک موضوع خاص یا یک مجموعه کلی ارزش‌ها هستند به همدیگر پیوند می‌دهد (Moretti, 2017).

حوزه سیاست‌گذاری عمومی و اداره امور عمومی نیز از این رویکرد شبکه‌ای مستثنا نبوده است، به این معنا که از نظر نهادی دچار دگرگونی شده و در این میان شبکه‌های سیاستی اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده‌اند (Bogason, 2001).

شبکه سیاستی می‌تواند به صورت مجموعه نقش‌آفرینان وابسته دولتی و غیردولتی تعریف شود که در توسعه سیاست‌های عمومی منافی دارند و «به طور رسمی یا غیررسمی با یکدیگر ارتباط نهادی دارند» و ارتباطات میان نقش‌آفرینان، جریان منابع میان آن‌ها را نشان می‌دهد (Rhodes, 2007).

تحلیل شبکه سیاستی می‌تواند بینشی از تعادل

1. Responsibility
2. Accountability
3. Authority
4. Resources
5. Relationships
6. Power
7. Policy Outcomes

ترکیب می‌کنند و شامل تعاملاتی هستند که ریشه در اعتماد و قوانینی که توسط اعضای شبکه مذاکره و پذیرفته می‌شوند، دارند و به میزان مشخصی جامعه مدنی را وارد تصمیم‌گیری عمومی می‌کنند (Rhodes, 1996).

از منظر ساختار شبکه، تعامل بین نقش‌آفرینان، توزیع منابع خاصی ایجاد می‌کند که بر عملکرد شبکه تأثیر می‌گذارد. نقش‌آفرینان منابع خاصی را برای تحقق نتایج سیاست لازم دارند که قدرت و تو را برای آن‌ها فراهم می‌کند. هرچه قدرت و توی یک نقش‌آفرین بیشتر باشد، نقش‌آفرین برای شبکه سیاستی ضروری‌تر است.

موفقیت شبکه سیاستی تا حدودی با توجه به میزان درگیر کردن منابع ضروری و نقش‌آفرینانی که صاحب آنها هستند، مشخص می‌شود؛ پس تغییر در توزیع منابع در شبکه‌ها در نتایج سیاستی منعکس می‌شود (Klijn, Koppenjan and Termeer, 1995). وقتی یک سازمان شبکه‌ای قادر است فرایندهای ضروری نظیر تبادل اطلاعات، انتشار دانش، اعتمادسازی و... را محقق کند، عملکرد خوبی دارد (Provan and Milward, 1995).

مفهوم ساختار در تحلیل شبکه‌ای، مبتنی بر جایگاه نسبی نقش‌آفرینان نسبت به یکدیگر بر اساس این روابط است. تحلیل ساختار شبکه بر روابط و کشف الگوی آن میان نقش‌آفرینان و در نتیجه، تبیین جایگاه یک نقش‌آفرین نسبت به سایر اعضای شبکه استوار است.

ارتباطات در انواع مختلفی تعریف می‌شوند و به محتوای روابط بین هر زوج از نقش‌آفرینان می‌پردازد. یکی از مهم‌ترین منابعی که در اغلب شبکه‌های سیاستی جریان دارد و بررسی آن می‌تواند مفید واقع

ابتدا شبکه‌های سیاستی معرفی شده‌اند و سپس با بررسی ادبیات موضوع در ساختار و کارکرد شبکه مورد نظر مقاله، چارچوب مفهومی متناسب با مسئله احصا شده است. این چارچوب در نهایت، با روش تحلیل شبکه اجتماعی و نگاشت‌شناخت فازی تحلیل علی شده و با استفاده از نظرات خبرگان تفسیر نتایج و دلالت‌های سیاستی در این خصوص ارائه شده است.

## ۱. ادبیات موضوع

### ۱.۱. تحلیل شبکه سیاستی

مفهوم شبکه‌های سیاستی می‌تواند به عنوان یک استعاره، یک ابزار تحلیلی، یک نظریه یا به عنوان شیوه‌ای برای تحلیل ساختار اجتماعی در نظر گرفته شود (Salazar and Holbrook, 2007).

درحقیقت، شبکه سیاستی در دو معنا به کار گرفته می‌شود، یکی به مثابه یک مدل یا مفهوم تحلیلی و دیگری رویکردی نظری و ساختاری. شبکه‌های سیاستی را می‌توان به عنوان یک گونه از میانجی‌گری منافع و یا یک شکل خاص از حکمرانی در نظر گرفت (Borzel, 1997).

در سال‌های اخیر، نقشی که شبکه‌ها می‌توانند در روند رو به رشد «اشکال چندمرکزی<sup>۸</sup> راهبری» ایفا کنند، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال، به‌کارگیری شبکه‌های سیاستی رویکردی متداول‌تر در راهبری شبکه‌های علمی بین‌المللی شده است (Borras, 2008).

از منظر رودز، اشکال شبکه‌ای راهبری، آرایش‌های سازمانی هستند که منابع عمومی و خصوصی را

8. Pluricentric

در بررسی اثر ساختار بر کارکرد شبکه، باید در نظر داشت که فقدان یک نقش‌آفرین مسلط به معنای توزیع متوازن منابع در بین نقش‌آفرینان نیست. رویکرد شبکه توجه زیادی به «اشکال نامرئی قدرت» دارد و تفاوت در توزیع منابع مهم است.

نقش‌آفرینان از قدرت برای تأثیرگذاری بر روند و ماهیت تعامل استفاده می‌کنند. بر این اساس، در نظر گرفتن هم‌زمان متغیرهای ساختاری و کارکردی، دلیل مهمی برای ضرورت مدیریت شبکه‌های سیاستی است.

مدیریت شبکه‌های سیاستی منجر به در نظر گرفتن اطلاعات و علائق سایر نقش‌آفرینان برای ارتقای کیفیت و پشتیبانی از طرح‌های سیاستی می‌شود. تخصص و دانش برای رسیدگی به مسائل سیاستی فقط در یک مکان موجود نیست و بنابراین مواجهه با طرح‌های سیاستی همراه با اطلاعات و علائق سایر نقش‌آفرینان ضروری است. اختلافات قدرت بر نحوه تکامل این فرایند تأثیر می‌گذارد (Kli-jn and Koppenjan, 2000).

## ۱.۲. قانون حمایت از شرکتها و مؤسسات دانش‌بنیان

در میان سیاست‌های حوزه‌ی علم، فناوری و نوآوری کشور، قانون «حمایت از شرکتها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات» را می‌توان یکی از مهم‌ترین سیاست‌های حمایتی دانست. این برنامه اکنون بیش از چهار هزار شرکت را با حمایت‌هایی مانند معافیت‌های مالیاتی و گمرکی، تأمین مالی، تسهیل استقرار شرکتها در پهنه‌های شهری، مناقصات و نظیر آن تحت پوشش قرار می‌دهد.

شود، تبادل اطلاعات است. علاوه بر این، تمام منابعی که بین نقش‌آفرینان منتقل می‌شود -چه مشهود و چه نامشهود- مانند روابط مالی، حمایت متقابل، یادگیری، موانع، اعتماد، اثرگذاری ادراک‌شده، منابع فیزیکی و هر ماهیت دیگری که بتواند بعدی از رابطه بین دو نقش‌آفرین را نشان دهد، می‌تواند به عنوان رابطه در نظر گرفته شود (Duit and Galaz, 2008; Vignola, McDaniels, and Scholz, 2013; Adger, 2003).

در این مقاله و مبتنی بر شناختی که نویسندگان از مورد مطالعه داشته‌اند و همچنین از نظرسنجی از خبرگان مطلع، تبادل اطلاعات، یادگیری متقابل و حمایت متقابل برای توصیف شبکه در سطح ساختار مورد استفاده قرار گرفته‌اند. از سویی، شبکه‌های سیاستی کارکردهای متنوعی در ادبیات سیاستگذاری عمومی دارند.

این کارکردها بسته به هدفی که این شبکه‌ها برای آن به کار گرفته شده‌اند، متفاوت بوده است (Boerzel 1998; Rhodes 1997; Borzel 2011). گاهی تمرکز بر عملکرد دموکراتیک در سیاست‌گذاری بوده و این شبکه‌ها به منظور افزایش دموکراسی به کار گرفته شده‌اند (De Rynck and Voets, 2006). در مواردی دیگر شبکه‌های سیاستی به منظور افزایش هماهنگی افقی و بین‌بخشی به کار گرفته شده‌اند (Adelle, Jor-dan, and Benson 2015; Braun 2008b).

در مسئله این مقاله، یعنی بهبود حکمرانی در خرده‌نظام سیاستی درگیر در پیاده‌سازی سیاستها (Howlett, Ramesh and Perl, 2009). مطالعات فراترکیب (کریم‌میان و همکاران ۱۳۹۸) نشان می‌دهد که شبکه‌ها با هدف‌های یازده‌گانه اشاره شده در جدول شماره ۱ به کار گرفته می‌شوند.

جدول ۱. کارکردهای مورد انتظار از شبکه‌های سیاستی در حکمرانی خرده‌نظام سیاستی درگیر در پیاده‌سازی سیاست‌ها

#	دسته اصلی	دسته فرعی
۱	ارتقای هماهنگی، انسجام و یکپارچگی	ارتقای هماهنگی افقی، عمودی و سیاسی افزایش انسجام و یکپارچگی حل تعارضات و اختلافات
۲	تقویت ارتباطات، ایجاد اعتماد و افزایش مشارکت	گسترش و تقویت ارتباطات ایجاد اعتماد میان نقش‌آفرینان مختلف توانمندسازی و مشارکت ذینفعان ایجاد اهداف، هنجارها و ارزش‌های مشترک
۳	افزایش یادگیری سیاستی	تسهیل انتشار دانش بهبود فرایندهای یادگیری سیاستی
۴	تسهیل پیاده‌سازی سیاست‌ها	مشروعیت بخشی جلب حمایت و پذیرش ذی‌نفعان مختلف

مدت اعمال معافیت در ماده ۳، پانزده سال و در ماده ۹، بیست سال است. در ماده ۳، درآمد حاصل از فعالیت‌های دانش‌بنیان شرکت‌ها از پرداخت مالیات معاف می‌شود، ولی در ماده ۹، معافیت مالیاتی به حقوق کارکنان شاغل در واحدهای پژوهش، فناوری و مهندسی تعلق می‌گیرد.

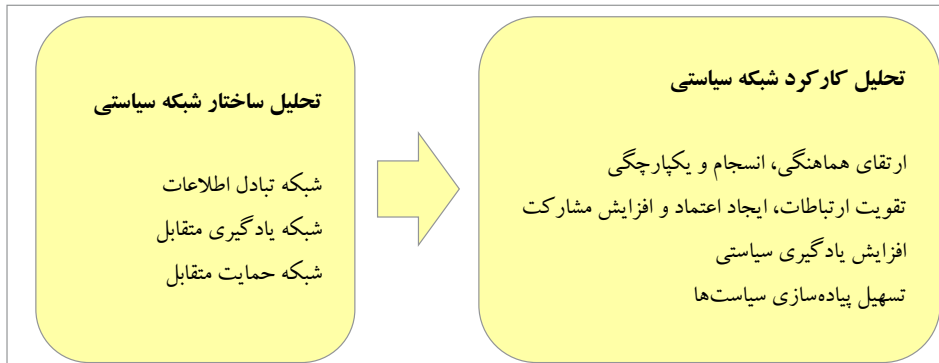
همچنین، مطابق ماده ۳ قانون، یکی از حمایت‌ها و تسهیلات قابل اعطا به شرکت‌های دانش‌بنیان معافیت از پرداخت مالیات، عوارض، حقوق گمرکی، سود بازرگانی و عوارض صادراتی است. (پژوهشکده مطالعات فناوری، ۱۳۹۶).

از میان تسهیلات مالی مستقیمی که به شرکت‌های دانش‌بنیان تعلق می‌گیرد (صندوق نوآوری و شکوفایی، تسهیلات صندوق توسعه ملی و

به علاوه، این قانون هم در تدوین و هم در پیاده‌سازی شاهد حضور و تأثیر نقش‌آفرینان مختلف و تغییرات سیاستی زیادی بوده است که آن را به یک نمونه‌ی بسیار مناسب برای بررسی نقش‌آفرینان، تعاملات و روابط آن‌ها و حکمرانی در هر دو خرده‌نظام تدوین سیاست و پیاده‌سازی سیاست تبدیل می‌کند.

### ۱.۲.۱. معرفی حمایت‌های مالیاتی، مالی و گمرکی

در ماده ۳ قانون، شرکت‌های دانش‌بنیان مورد تأیید کارگروه ارزیابی و تشخیص صلاحیت شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و در ماده ۹، واحدهای پژوهشی، فناوری و مهندسی مستقر در پارک‌های علم و فناوری از پرداخت مالیات معاف هستند.



تصویر ۱. چارچوب تحلیل عملکرد شبکه سیاستی در پیاده‌سازی سیاست‌ها

## ۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مختلفی به تحلیل شبکه سیاستی هم در مرحله تدوین سیاست‌ها و هم در مرحله پیاده‌سازی سیاست‌ها پرداخته‌اند. این نوع از تحلیل خرده‌نظام سیاستی عمدتاً در حوزه‌های سیاستی با ذی‌نفعان و نهادهای متعدد و مبهم به کار گرفته شده است.

هو و همکاران، تحلیل شبکه سیاستی سیاست‌های مدیریت تقاضای آب در صنعت گردشگری سنگاپور را در مرحله‌ی تدوین سیاست انجام داده‌اند. هدف این تحلیل، ارائه پیشنهادهای به منظور ارتقای همکاری و سیاست‌گذاری مشارکتی بوده و به منظور جمع‌آوری داده از مستندات مکتوب سیاستی استفاده کرده‌اند.

بدین منظور تحلیل شبکه اجتماعی به کار گرفته شده و یافته‌ها نشان می‌دهد جهت‌دهی به ترجیحات ذی‌نفعان از طریق واگذاری مسئولیت‌ها و منابع و تغییر منافع آن‌ها می‌تواند همکاری را بهبود بخشد (Hu et al, 2019).

ویگنولا، مک‌دنیلز و شولز با استفاده از روش تحلیل

یارانه سود تسهیلات)، حجم حمایت صندوق نوآوری و شکوفایی بسیار بیشتر از دو مورد دیگر بوده و به نوعی می‌توان سازوکار اصلی اعطای تسهیلات را صندوق نوآوری و شکوفایی دانست. با تصویب اساسنامه صندوق نوآوری و شکوفایی در تاریخ ۱۳۹۱ و پیش‌بینی اعتباراتی برای تأمین سرمایه صندوق، تخصیص منابع مالی به این صندوق عملاً از سال ۱۳۹۳ آغاز شد (مجلس، ۱۳۹۴).

## ۳. الگوی مفهومی پژوهش

با توجه به توضیحات ارائه‌شده در مبانی نظری پژوهش، در سطح کارکرد شبکه موارد یازده‌گانه در نظر گرفته شده‌اند و برای تحلیل ساختار نیز شبکه‌های تبادل اطلاعات، یادگیری متقابل و حمایت متقابل نقش‌آفرینان مورد نظر است.

بر این اساس، چارچوب تحلیل شبکه سیاستی به منظور انجام تحلیل علی با استفاده از روش نگاشت‌شناختی فازی به صورت تصویر شماره ۱ در می‌آید.

مدلی برای شبکه سیاستی تدوین سیاست‌های گردشگری در کشور پرداخته است (جهان‌دیده، رحمتی و زارعی‌متین، ۱۳۹۶).

عمده پژوهش‌هایی که به تحلیل شبکه سیاستی چه در تدوین و چه در پیاده‌سازی سیاست‌ها پرداخته‌اند، بر ساختار شبکه و کارکردهای خاص مورد انتظار از شبکه، مثلاً ارتقای همکاری، یکپارچگی سیاست‌ها، مشارکت ذی‌نفعان و نظایر آن‌ها پرداخته‌اند.

این پژوهش، تمامی کارکردهای مورد انتظار در مورد مسئله تحقیق را در کنار ساختار این شبکه سیاستی بررسی می‌کند؛ بنابراین تحلیل علی کاملی در روابط میان ساختار و تمام این کارکردها در آن انجام شده است.

### ۳. روش پژوهش

راهبرد پژوهش مطالعه موردی انتخاب شده و داده‌ها با استفاده از روش تحلیل شبکه اجتماعی<sup>۹</sup> برای بررسی ساختار و نگاشت‌شناختی فازی برای تحلیل علی چارچوب تحقیق جمع‌بندی شده‌اند. در تحلیل شبکه اجتماعی، ویژگی‌ها و روابط نقش‌آفرینان با استفاده از «گره‌ها» و «پیوندها» در قالب گرافیکی ارائه می‌شود، که گره نشان‌دهنده یک نقش‌آفرین است و پیوندها (پیوند بین گره‌ها) قوت<sup>۱۰</sup>، جهت<sup>۱۱</sup> و صمیمیت<sup>۱۲</sup> را با سایر نقش‌آفرینان شبکه نشان می‌دهد (Bainbridge, Potts and O'Higgins, 2011).

تحلیل شبکه اجتماعی می‌تواند بینش‌هایی در مورد جریان قدرت، موافقت و منابع بین نقش‌آفرینان و همچنین اطلاعاتی درباره اهمیت نقش‌آفرینان،

شبکه اجتماعی و مبتنی بر نظرات خبرگان به تحلیل شبکه سیاستی در حوزه پیاده‌سازی سیاست‌های زیست‌محیطی پرداخته‌اند و بدین ترتیب ساختار حکمرانی حوزه را ترسیم و سازمان‌های اصلی پل‌زننده را شناسایی کرده و بر این اساس، پیشنهادات سیاستی خود را ارائه کرده‌اند (Vignola, McDaniels and Scholz, 2013).

اریج و گریر، به تحلیل شبکه سیاستی تدارکات دولتی انگلستان پرداخته‌اند. این کار به منظور ارائه راهبردهایی برای ارتقای یکپارچگی در نظام تدارکات دولتی و با استفاده از تحلیل شبکه اجتماعی انجام و به منظور جمع‌آوری داده از پرسش‌نامه و مصاحبه با خبرگان استفاده شده است.

این پژوهش نیز مرحله پیاده‌سازی سیاست‌ها را در نظر گرفته و علت ضعف در شبکه سیاستی و شکست سیاست‌های این حوزه را فقدان قدرت کافی در سازمان‌های مرکزی و روابط ناکافی بین سازمانی می‌داند (Erridge and Greer, 2000).

شریف‌زاده و همکاران، با تحلیل شبکه سیاستی در حوزه تدوین سیاست‌های کارآفرینی در کشور، مدلی برای سیاست‌گذاری کارآفرینی ارائه داده‌اند. به منظور جمع‌آوری داده از پرسش‌نامه و مصاحبه با خبرگان بهره برده و با به‌کارگیری روش تحلیل مضمون و معادلات ساختاری، الگوی مطلوبی از شبکه سیاستی این حوزه با محوریت نقش‌آفرین مرکزی ارائه داده‌اند (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷).

جهان‌دیده، رحمتی و زارعی‌متین نیز مرحله تدوین سیاست‌ها را در حوزه سیاست‌های گردشگری به منظور تحلیل شبکه سیاستی انتخاب کرده‌اند. این پژوهش نیز با به‌کارگیری تحلیل مضمون و مدل‌سازی معادلات ساختاری و با جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از طریق پرسش‌نامه به طراحی

9. SNA

10. Strength

11. Direction

12. Intimacy



جدول ۲. مقیاس تعیین میزان رابطه علی بین متغیرها (Baykasoglu, 2014)

مقدار عددی	عبارت‌های کلامی
۰/۱۱۵	مفهوم a بر مفهوم b اثر خیلی کم دارد
۰/۲۹۵	مفهوم a بر مفهوم b اثر کم دارد
۰/۴۹۵	مفهوم a بر مفهوم b اثر متوسط دارد
۰/۶۹۵	مفهوم a بر مفهوم b اثر زیاد دارد
۰/۸۹۵	مفهوم a بر مفهوم b اثر خیلی زیاد دارد

قانون در گیر بودند، شناسایی شده و از آن‌ها خواسته شد اگر سازمانی از قلم افتاده است که آن‌ها با آن مرتبط هستند را به پرسش‌نامه اضافه کرده و روابط خود را تعیین کنند. در ادامه، این پرسش‌نامه‌ها با روش تحلیل شبکه اجتماعی تحلیل شدند.

برای اعتبارسنجی مدل از دیدگاه‌های افراد حوزه سیاست‌گذاری هم اساتید دانشگاه و هم مدیران دولتی استفاده شد. این افراد به صورت نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند. به این منظور در ابتدا از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد که عوامل را به صورت دوتایی مقایسه کرده (جدول شماره ۲) و نهایتاً ماتریس هم‌جواری از هر یک از مصاحبه‌شوندگان به دست آمد. در ادامه و مبتنی بر میانگین نظرات خبرگان، ماتریس مجاورت تجمیعی به دست آمد.

برای تحلیل نقشه‌های شناختی فازی از شاخص‌های مختلفی استفاده می‌شود. یکی از پرکاربردترین شاخص‌ها که به ادعای برخی منابع قدرت توضیح بالاتری دارد، شاخص مرکزیت اجماع<sup>۱۳</sup> است (Sangbor, Safi and Azar, 2019). این شاخص از مجموع سه شاخص دیگر، یعنی مرکزیت نزدیکی، مرکزیت درجه و مرکزیت بینابینی

مرکزیت، نفوذ، عبوردهی<sup>۱۳</sup> و وابستگی فراهم کند. تراکم نقش‌آفرینان، درک درستی از مبادله منابع در شبکه و نیز بینشی از پیوستگی<sup>۱۴</sup> نقش‌آفرینان در موضوعات و منافع خاص فراهم می‌کند (Bainbridge Potts and O'Higgins, 2011).

بر این اساس، در این تحقیق با به‌کارگیری تحلیل شبکه اجتماعی، شبکه سیاستی از منظر ساختار تحلیل شده است. بر این اساس، فرم‌هایی برای گردآوری داده‌های مورد نیاز به نمایندگان سازمان‌های درگیر ارائه شده و اطلاعات لازم برای تحلیل و ترسیم شبکه جمع‌آوری شد.

نهایتاً و مبتنی بر چارچوب تحلیلی به‌دست‌آمده، به منظور انجام نگاشت‌شناختی فازی و ارائه دلالت‌های سیاستی تهیه شده است. در روش تحلیل شبکه اجتماعی، لازم است تمام نقش‌آفرینان خرده‌نظام سیاستی یک پرسش‌نامه حاوی شدت و نوع رابطه خود با تمام نقش‌آفرینان دیگر را تکمیل کنند. جامعه آماری و نمونه آماری یکسان هستند.

بر این اساس، ابتدا تعدادی از سازمان‌هایی که بر اساس قانون و آیین‌نامه‌های اجرایی آن در اجرای

13. Contagion

14. Cohesion

15. Consensus Centrality Measure (CCM)

جدول ۳. اهم مشکلات مستخرج از تحلیل شبکه‌های اجتماعی

حوزه حمایت‌ها	اهم کاستی‌ها به لحاظ ساختاری
حمایت‌های گمرکی	ضعف در برقراری روابط کافی با وزارتخانه‌های صنعتی و فناوری (مانند کشاورزی، بهداشت، ارتباطات و فناوری اطلاعات و...) و در نتیجه عدم جلب حمایت آن‌ها در این موضوع که منجر به زمانبر بودن فرایند دریافت حمایت و همچنین کاهش کیفیت آن شده است. نامشخص بودن جایگاه نهادهایی مانند وزارت صنعت و بانک مرکزی که می‌توانند به عنوان گلوگاه عمل کنند که قابل پیش‌بینی نبوده و پیگیری را غیرشفاف و زمان‌بر می‌کند.
حمایت‌های مالی	ضعف جایگاه صندوق نوآوری و شکوفایی در شبکه تبادل اطلاعات (به لحاظ نقش پل‌زنی و همچنین نزدیکی آن به نقش آفرینان اصلی) شکل نگرفتن سازوکار تبادل اطلاعات جامع و به‌روز میان نقش آفرینان درگیر نبودن کافی صندوق توسعه ملی علی‌رغم اهمیت منابع این صندوق ضعیف بودن یادگیری متقابل میان نقش آفرینان حمایت‌های مالیاتی
حمایت‌های مالیاتی	درگیر نشدن کافی شعب مالیاتی در موضوع معافیت‌های شرکت‌های دانش‌بنیان مانع‌تراشی سازمان امور مالیاتی که شکنندگی بالایی برای حمایت‌های مالیاتی ایجاد کرده است. ضعیف بودن یادگیری متقابل میان نقش آفرینان حمایت‌های مالیاتی

شبکه‌ها بر اساس شاخص‌های فوق مورد تحلیل فرا گرفته‌اند که ترسیم آن‌ها از حوصله این مقاله خارج است. در این مقاله با توجه به مسئله تحقیق، علاوه بر شاخص‌های فوق، نقاط برشی شبکه و گروه‌بندی نقش آفرینان نیز تحلیل شده‌اند.

تحلیل‌های ساختاری برگرفته از تحلیل شبکه‌های اجتماعی در این بخش به طور خلاصه در قالب کاستی‌ها و مشکلات ساختاری در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

به دست می‌آید. نهایتاً این شاخص نرمال شده و وزن اعتباری به دست می‌آید.

بر این اساس و با به‌کارگیری نرم‌افزار UCINET، سه شاخص تشکیل‌دهنده برای سه حوزه مالی، مالیاتی و گمرکی به دست آمده‌اند. نهایتاً از طریق مصاحبه با خبرگان و ارائه نتایج تحقیق به آن‌ها، تفسیر نتایج و دلالت‌های سیاستی طراحی شده‌اند.

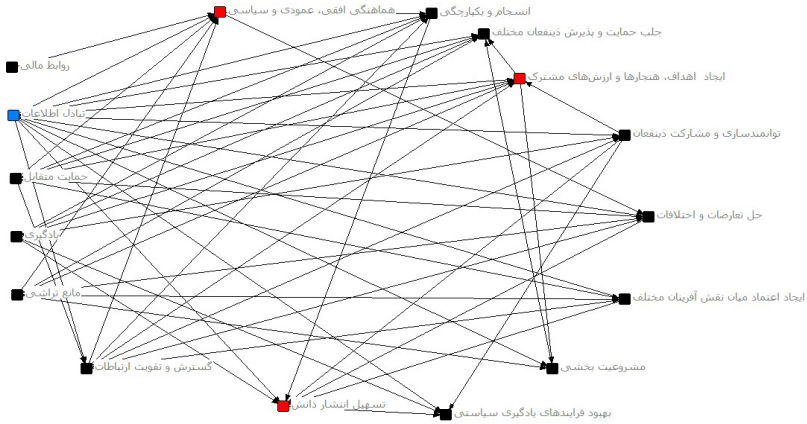
## ۴. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

### ۴.۱. تحلیل شبکه اجتماعی

همان‌طور که پیشتر بیان شد، شبکه‌های تبادل اطلاعات، یادگیری متقابل و حمایت متقابل در سه حوزه پیاده‌سازی حمایت‌های گمرکی، مالیاتی و تأمین مالی ترسیم شده و با استفاده از برخی شاخص‌های پرکاربرد منتخب در تحلیل شبکه اجتماعی (چگالی، مرکزیت درجه، مرکزیت بینابینی، مرکزیت بردار ویژه)، بررسی شدند.

### ۴.۲. تحلیل علی چارچوب با استفاده از نگاشت‌شناختی فازی

همان‌طور که در بخش روش پژوهش اشاره شد، با استفاده از نرم‌افزار UCINET تحلیل علی چارچوب به‌دست‌آمده با روش نگاشت‌شناختی فازی و مبتنی بر نظرات خبرگان انجام شد. نقشه‌های به‌دست‌آمده در ادامه (تصاویر ۲، ۳ و تصویر ۴. نقشه شناختی فازی حمایت‌های مالیاتی) نشان داده شده‌اند.



تصویر ۲. نقشه شناختی فازی حمایت‌های گمرکی

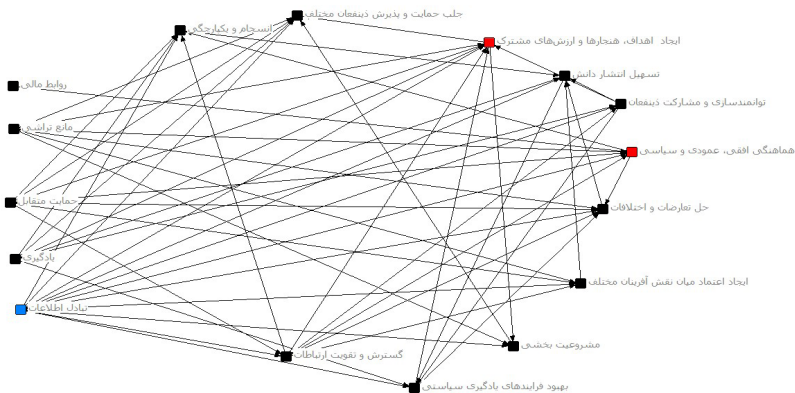
و به معنای حداقل است و نه عدم حضور مؤلفه با شاخص مرکزیت اجماع صفر در نقشه شناختی.

### ۵. جمع‌بندی

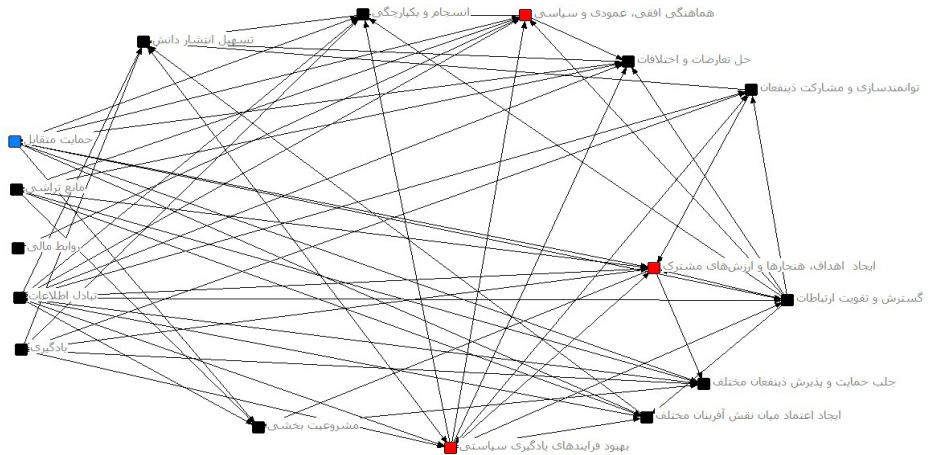
با بررسی نتایج به‌کارگیری روش نگاشت شناختی فازی برای تحلیل چارچوب مفهومی تحقیق، مهم‌ترین عوامل با کمک خبرگان آگاه به مورد

بر مبنای نتایج به‌دست‌آمده، شاخص‌هایی با بیشترین وزن اعتباری در ادامه نشان داده شده‌اند (جدول ۴). مؤلفه‌های اولویت‌دار در تأثیر بر عملکرد حمایت‌های گمرکی مبتنی نگاشت شناختی فازی، جداول شماره ۵ و ۶).

با توجه به نرمال شدن داده‌ها در بازه صفر تا یک کمترین عدد اجماع، معادل صفر در نظر گرفته شده



تصویر ۳. نقشه شناختی فازی حمایت‌های مالی



تصویر ۴. نقشه شناختی فازی حمایت‌های مالیاتی

تحقیق تحلیل شده است.

عملکرد کمک کند.

مؤلفه‌ای که در هر سه شبکه‌ی سیاستی حمایت‌های تأمین مالی، مالیاتی و گمرکی بالاترین امتیاز را به خود اختصاص داده است، مقوله ارتقای هماهنگی افقی، عمودی و سیاسی است.

هماهنگی به انسجام و یکپارچگی در محتوای سیاست‌ها و حل تعارضات و اختلافات نیز کمک کرده و از این دو مسیر به صورت غیرمستقیم نیز تأثیرات مثبتی بر عملکرد خواهد داشت. تأثیر هماهنگی بر هماهنگ شدن محتوای سیاست‌ها (با همان انسجام) در کار لارانجا نیز مورد بحث بوده است (Laranja, 2012).

هماهنگی افقی به معنای هماهنگی بین دپارتمان‌های هم سطح درگیر در تدوین یا پیاده‌سازی سیاست، هماهنگی عمودی به معنای هماهنگی بین دپارتمان‌های درگیر در تدوین یا دپارتمان‌های درگیر در پیاده‌سازی سیاست و هماهنگی سیاسی به معنای هماهنگی میان نظام کلان سیاسی با حوزه سیاست هدف در ادبیات مورد توجه قرار گرفته‌اند (کریم‌میان و همکاران، ۱۳۹۸).

البته این مؤلفه خود از متغیرهای متعددی هم در سطح کارکرد و هم در سطح ساختار تأثیر می‌پذیرد که عبارتند از گسترش و تقویت ارتباطات در سطح کارکردها و روابط مالی، تبادل اطلاعات و حمایت متقابل به صورت در سطح ساختار به صورت مثبت و از مانع‌تراشی نیز تأثیر منفی می‌پذیرد.

همان‌طور که مشخص است، در هر سه مدل مفهومی مالی، مالیاتی و گمرکی این مؤلفه مستقیماً بر عملکرد تأثیر دارد و این به این معناست که توجه به مسئله هماهنگی می‌تواند بدون واسطه به بهبود

به لحاظ تفسیر بیشتر این امر در مورد مطالعه، می‌توان گفت که در سطح هماهنگی سیاسی، فقدان جایابی مناسب شرکت‌های دانش‌بنیان در بدنه اصلی

جدول ۴. مؤلفه‌های اولویت‌دار در تأثیر بر عملکرد حمایت‌های گمرکی مبتنی نگاشت‌شناختی فازی

شاخص	سطح شاخص	وزن اعتباری (مقدار نرمال شده شاخص مرکزیت اجماع)
ارتقای هماهنگی افقی، عمودی و سیاسی	سطح کارکرد شبکه	۱
ساختار شبکه تبادل اطلاعات	سطح کارکرد شبکه	۰.۷۳۵۴۴۷
ایجاد اهداف، هنجارها و ارزش‌های مشترک	سطح کارکرد شبکه	۰.۲۸۷۷۹۵
تسهیل انتشار دانش	سطح کارکرد شبکه	۰.۲۶۷۹۹۲
مشروعیت بخشی	سطح کارکرد شبکه	۰

حوزه‌ی حمایت‌های قانون بسیار زمان‌بر بوده و تاکنون نیز به نقطه‌ی ایده‌آل خود نرسیده است، سایر حوزه‌های حمایتی که با توجه به پراکنده بودن منابع حمایتی در دستگاه‌های مختلف پای سازمان‌های زیادی را به مسئله باز کرده نیز از عدم هماهنگی افقی رنج می‌برند.

این عدم هماهنگی در بُعد عمودی نیز ادامه دارد و به طور خاص در حوزه حمایت‌های مالیاتی، ناهم‌انگي میان توافقات و تصمیماتی که در کارگروه با وزارت اقتصاد یا بیرون آن میان معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور و سازمان امور مالیاتی اتفاق می‌افتد و مواجهه شعب با شرکت‌ها مشهود است.

اقتصاد، مانع اصلی برای توجه نظام کلان سیاسی به این موضوع شده است.

درحقیقت، برخلاف توجه ظاهری و رسانه‌ای به این شرکت‌ها، اراده کلان نظام سیاسی مبنی بر حضور واقعی آن‌ها در نظام اقتصادی کشور به اندازه کافی مؤثر نبوده است. درخصوص هماهنگی افقی، بیشترین مشکل به عدم شناخت تخصصی از حوزه محصولات و خدمات شرکت‌های دانش‌بنیان، تعاریف و مصادیق تحقیق و توسعه و شیوه فعالیت این شرکت‌ها برمی‌گردد.

علاوه بر حمایت‌های گمرکی و مالیاتی که هماهنگی و هم‌زبانی میان سازمان‌های متولی

جدول ۵. مؤلفه‌های اولویت‌دار در تأثیر بر عملکرد حمایت‌های مالی مبتنی نگاشت‌شناختی فازی

شاخص	سطح شاخص	وزن اعتباری (مقدار نرمال شده شاخص مرکزیت اجماع)
ارتقای هماهنگی افقی، عمودی و سیاسی	سطح کارکرد شبکه	۱
ساختار شبکه تبادل اطلاعات	سطح کارکرد شبکه	۰.۶۱۴۲۲۷
ایجاد اهداف، هنجارها و ارزش‌های مشترک	سطح کارکرد شبکه	۰.۴۸۳۳۰۵
مشروعیت بخشی	سطح کارکرد شبکه	۰

جدول ۶. مؤلفه‌های اولویت‌دار در تأثیر بر عملکرد حمایت‌های مالیاتی مبتنی نگاشت‌شناختی فازی

شاخص	سطح شاخص	وزن اعتباری (مقدار نرمال شده شاخص مرکزیت اجماع)
ارتقای هماهنگی افقی، عمودی و سیاسی	سطح کارکرد شبکه	۱
ایجاد اهداف، هنجارها و ارزش‌های مشترک	سطح کارکرد شبکه	۰.۳۶۷۱۷
بهبود فرایندهای یادگیری سیاسی	سطح کارکرد شبکه	۰.۲۶۹۵۹۳
ساختار شبکه تبادل اطلاعات	سطح کارکرد شبکه	۰.۱۸۰۹۷۳
مشروعیت بخشی	سطح کارکرد شبکه	۰

است، این شرایط را برای شرکت‌ها فراهم کرده که در هر مرحله از فعالیت و با هر نوع نیاز بتوانند از آمیخته‌ای از حمایت‌ها استفاده کنند بدون اینکه شمول برای یک حمایت، آن‌ها را از دریافت حمایت‌های دیگر محروم سازد.

اما درخصوص انسجام عمودی، مسئله به این شکل نیست. اگر حوزه سیاستی قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان را حوزه سیاست نوآوری در نظر بگیریم، مجموعه‌ای از قوانین، مقررات و برنامه‌هایی که به نوعی با این حوزه مرتبط هستند، وجود دارند که هنگام تدوین آن‌ها به ظرفیت موجود در قانون دانش‌بنیان توجه کافی نشده است.

کاهش تضادهای سیاسی و اداری که منجر به کاهش تعارضات و اختلافات و حل آن‌ها می‌شود (کریم‌میان و همکاران، ۱۳۹۸) نیز در مسیر تأثیر غیرمستقیم این مؤلفه بر عملکرد قرار دارد. استرک و دالاس از این تعارضات با نام بن‌بست‌های سیاستی یاد می‌کنند و آن را مکمل اساسی تلاش‌های ارتقای هماهنگی، تعاملات و اعتماد می‌دانند (Dellas, 2012).

درخصوص قانون حمایت از شرکت‌های

انسجام و یکپارچگی سیاست‌ها علی‌رغم اینکه جزو اولویت‌ها نبوده، ولی در مسیر ارتقای مؤلفه هماهنگی قرار دارد. در اغلب منابع، انسجام ناظر به محتوای سیاست‌ها و هم‌خوانی میان آن‌ها بوده و ثبات درونی آمیخته‌های سیاستی را مدنظر قرار می‌دهد.

انسجام افقی به معنای همسانی میان یک سیاست با سایر سیاست‌های هم‌عرض بوده و انسجام عمودی نیز به همسانی میان یک سیاست با سیاست‌های کلان‌تر که از نظر حوزه سیاستی یکسان تلقی می‌شوند، اشاره می‌کند (کریم‌میان و همکاران، ۱۳۹۸).

در این مطالعه، با توجه به مرجع واحدی که عملاً نقش‌آفرین اصلی در طراحی آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و برنامه‌های حمایتی بوده است (معاونت علمی و فناوری)، انسجام افقی در میان سیاست‌ها و برنامه‌ها به میزان قابل توجهی رعایت شده است.

یکپارچگی سیاست‌های حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان که به لطف تمرکز در تعداد محدودی قانون و مقررات با منشأ تقریباً یکسان افتاده

فرایندهای اداری به دنبال استفاده از این حمایت نبوده‌اند.

ایجاد اهداف، هنجارها و ارزش‌های مشترک مضمونی است که ذیل مقوله تقویت ارتباطات، ایجاد اعتماد و افزایش مشارکت دسته‌بندی شده است (کریم‌میان و همکاران، ۱۳۹۸). در خصوص قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، این مقوله بیشتر شامل نقش آفرینان بخش حاکمیتی می‌شود.

در زمینه حمایت‌های مالیاتی و گمرکی، با توجه به این که نهادهای متولی، نهادهای بزرگی با حجم کاری بسیار زیاد هستند، عملاً زمان زیادی مصرف شد تا مسئله‌ی حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان را موضوعی مهم تلقی کرده و تا به امروز نیز بعضاً شرکت‌های دانش‌بنیان را جریان بسیار ناچیز و قابل صرف‌نظری از مأموریت‌ها و فعالیت‌های خود می‌دانند.

در صورتی که اگر چه به لحاظ کمی قضاوت آن‌ها درست است، اما از نظر کیفیت امر اوضاع متفاوت است و شرکت‌های دانش‌بنیان می‌توانند در طولانی مدت کشور را در بسیاری از حوزه‌های فناوریانه پیشرفته از تحریم‌ها مصون کنند.

در حمایت‌های مالی وجود صندوق نوآوری و شکوفایی و جایگاه ویژه آن که به دلیل در اختیار داشتن بخش قابل توجهی از منابع اتفاق افتاده است، کمک کننده بوده است، اما تا ایجاد هنجارهای مشترک میان تمامی نهادهای نظام تأمین مالی (بانک‌ها، صندوق‌های پژوهش و فناوری) در خصوص موضوعات اساسی (مثلاً موضوع اعتبارسنجی مالی، وثیقه‌گذاری و...) فاصله محسوسی وجود دارد.

وجود هنجار و ارزش مشترک، هم به صورت مستقیم بر عملکرد تأثیر می‌گذارد و هم به صورت

دانش‌بنیان، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های آن و سایر دستورالعمل‌هایی که در این خصوص و به منظور تسهیل تعاملات با دستگاه‌های اجرای مختلف تدوین شده است، همواره اختلافات و تعارضات جدی وجود داشته است.

گزارش پژوهشکده‌ی مطالعات فناوری (پژوهشکده مطالعات فناوری، ۱۳۹۶) به خوبی به بخشی از این تعارضات در مرحله تدوین قانون اشاره کرده است، اما در مرحله‌ی پیاده‌سازی که مورد نظر این مقاله است، منشأ اصلی اختلافات به تفسیرهای مختلف سازمان‌های درگیر با منابع حمایتی برمی‌گردد.

به طور خاص در حوزه حمایت‌های مالیاتی و بیمه‌ای تفاسیر و تعبیرهای مختلفی که از عبارات و گزاره‌های قوانین و برنامه‌ها وجود دارد، عملاً جریان پایداری از گلایه‌های شرکت‌ها از شعب بیمه و مالیات را ایجاد کرده است.

این امر در مرحله بعدی حمایت‌های گمرکی و مالی را شامل می‌شود و به طور مثال تفاسیر نهادهای مالی نظیر بانک‌ها و صندوق‌های پژوهش و فناوری و همچنین کارگزاران صندوق نوآوری و شکوفایی از حمایت‌های مالی طراحی شده، از مسئله خیزترین موضوعات در خصوص حمایت‌های مالی بوده است.

در خصوص حمایت‌های گمرکی نیز تفاسیر مختلف نهادهای ذی‌ربط (که برخی از موارد در جمع‌بندی مانع‌تراشی در فصل چهارم ارائه شد) اختلافات جدی (عمدتاً ترخیص) ایجاد کرده که حل برخی از آن‌ها علی‌رغم رجوع به داور سطح بالای سیاسی و گذر زمان زیاد، لاینحل باقی مانده است.

بر این اساس، تعدادی از شرکت‌های مشمول دریافت تخفیفات گمرکی نیز در مصاحبه‌ها اشاره کردند که به دلیل پیچیدگی‌ها و تعارضات در

شرکت‌ها برای به سرانجام رساندن فعالیت‌هایشان با حمایت معاونت حفظ شود.

این جلسات اغلب با استقبال زیاد شرکت‌ها روبه‌رو می‌شود و به خاطر حضور یکی از دست‌اندرکاران ارشد سازمان مرتبط (در موضوع این مقاله سازمان امور مالیاتی، گمرک جمهوری اسلامی، صندوق نوآوری و شکوفایی و صندوق توسعه ملی)، در مجموع اقدام موفق‌تری به شمار می‌رود.

یکی از نقاط ضعفی که در مصاحبه با شرکت‌ها در این محور بیان شد، مسئله کارگزاران درگیر (کارگزاران معاونت علمی و صندوق نوآوری و شکوفایی) بود که لازم است نظارت بیشتری بر کیفیت و زمان‌بندی عملکرد این نقش‌آفرینان صورت پذیرد.

نقطه ضعف دیگر سامانه رسیدگی به شکایات شرکت‌ها بود که به نظر می‌رسد علی‌رغم پیشرفت‌های اخیر، پاسخگویی به شرکت‌ها رضایت‌بخش نبوده و این موضوع مورد تأیید برخی از کارشناسان شکایات نیز بود.

تسهیل انتشار دانش و بهبود فرایندهای یادگیری سیاستی دو مضمون دیگری هستند که در اولویت‌های بعدی قرار دارند (هر دو از مضامین مقوله یادگیری سیاستی). یادگیری سیاست با تعابیر متعددی در منابع مورد توجه قرار گرفته است.

بر این اساس، بیشترین اشاره منابع به یادگیری در دو مرحله تدوین سیاست‌ها و پیاده‌سازی سیاست‌ها داشته‌اند که تمرکز بیشتر بر شبکه‌های سیاست درگیر در پیاده‌سازی سیاست‌ها بوده است (کریم‌میان و همکاران، ۱۳۹۸).

به این معنا که، تغییرات سیاست عمدتاً ناشی

غیرمستقیم با مشروعیت‌بخشی و جلب حمایت و پذیرش ذی‌نفعان مختف، به بهبود عملکرد کمک خواهد کرد. همچنین، خود از توانمندسازی و مشارکت ذی‌نفعان، گسترش ارتباطات و بهبود یادگیری سیاستی تأثیر می‌گیرد.

در خصوص توانمندسازی و مشارکت ذی‌نفعان که عاملی کلیدی در ایجاد هنجارهای مشترک است نیز، اگرچه در خصوص مشارکت در طراحی حمایت‌ها و برنامه‌ها شرکت‌های دانش‌بنیان مشارکت کافی را نداشتند، ولی انعطاف بسیاری از این برنامه‌ها موجب شد که نوعی از تصحیح جزئی در فرایند اتفاق بیفتد و در عمل ملاحظات به حق شرکت‌ها لحاظ شود.

اگرچه این مقدار از نظر شرکت‌ها کافی نبود و برخی از آن‌ها معتقد بودند در صورتی که می‌توانستند از ابتدا مشارکت کنند، بهبودهای کلی اتفاق می‌افتاد. اگرچه در خصوص توانمندسازی شرکت‌ها همان‌طور که بالاتر اشاره شد، اقدامات زیادی صورت گرفته که عمدتاً شرکت‌ها از آن راضی بودند.

به علاوه، معاونت علمی و فناوری به جای تکیه صرف بر آگاه‌سازی دستورالعمل‌ها، رویه‌ها و رسیدگی به شکایات، جلسات منظمی را با شرکت‌ها برگزار می‌کند. این جلسات به منظور آشنایی شرکت‌ها با مفاهیم کسب‌وکاری و حمایت‌های هر حوزه برگزار می‌شود، به بستر مناسبی برای پاسخ به سؤالات، ابهامات و بعضاً شکایت‌های شرکت‌ها هم از معاونت و هم از نماینده دستگاه حمایتی که در این جلسات حضور دارد، تبدیل شده است.

علاوه بر این، نشست‌های پرسش و پاسخ با مدیران معاونت علمی و فناوری برای شرکت‌ها کمک کرده است تا علی‌رغم موانع مختلف تا حدی حمایت از دست‌رفته شرکت‌ها به معاونت برگردد و امیدواری



چه در خصوص مصادیق مشمول معافیت- حمایت متقابل گره‌ای هست که می‌تواند عملکرد اعطای معافیت‌ها را بهبود دهد.

یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های فرا روی این تحقیق، تمرکز بر ساختار و کارکرد شبکه در تحلیل عملکرد آن بوده است. این در حالی است که در محیط واقعی سیاست‌گذاری، عوامل پیرامونی مختلفی می‌توانند بر عملکرد شبکه سیاستی تأثیر بگذارند.

همچنین در این تحقیق، تنها تأثیر بهبود عملکرد شبکه سیاستی نقش‌آفرینان برای بهبود اجرای سیاست‌ها در نظر گرفته شده است و سایر ابعاد مؤثر بر بهبود اجرای سیاست در محدوده این تحقیق قرار نگرفته است.

این موارد به علاوه بررسی سایر حمایت‌های معرفی شده در قانون (حمایت‌هایی نظیر شرکت در مناقصات، حمایت‌های بیمه‌ای، اولویت استقرار و نظایر آن) می‌توانند به عنوان فرصت‌های تحقیقاتی آتی مرتبط با این تحقیق در نظر گرفته شوند.

## ملاحظات اخلاقی

### پیروی از اصول اخلاق پژوهش

اصول اخلاقی تماماً در این مقاله رعایت شده است.

### حامی مالی

این مقاله از پایان‌نامه زهره کریم‌میان در مقطع دکتری رشته سیاست‌گذاری علم و فناوری در گروه مدیریت صنعتی دانشکده مدیریت استخراج شده است.

از پیاده‌سازی سیاست‌هاست و یادگیری نیز عمدتاً از طریق تغییرات سیاست رخ می‌دهد. در خصوص پیاده‌سازی قانون، یادگیری سیاستی یکی از نقاط قوت به شمار می‌رود.

بر این اساس، در هفت سال اخیر تغییرات جدی در معیارهای ارزیابی دانش فنی، سازوکارهای ارزیابی شرکت‌ها، مصادیق تحقیق و توسعه و نیز حمایت‌های مورد نیاز هر نوع شرکت (نوپای نوع ۱ و ۲، تولیدی نوع ۱ و ۲) در هر سه مورد حمایت‌های مالی، مالیاتی و گمرکی صورت گرفته است.

همچنین، حمایت‌هایی که در زمان تصویب قانون مطرح نبوده است، با تعاملات مؤثری که طی این سال‌ها اتفاق افتاده، طراحی شده و در حال کالیبره شدن نیز است (نظیر حمایت‌های سربازی).

در سطح ساختار نیز دو مؤلفه ساختار شبکه تبادل اطلاعات (حمایت‌های گمرکی و مالی) و ساختار شبکه حمایت متقابل (حمایت‌های مالیاتی) بیشترین اهمیت را در عملکرد شبکه سیاستی دارند.

تبادل اطلاعات جایگاه ویژه خود را مرهون اثرگذاری بر تمام مؤلفه‌های کارکرد، به‌ویژه یادگیری، هماهنگی و انتشار دانش است. مهم‌ترین اطلاعات در خصوص حمایت‌های گمرکی مرتبط با شناخت فتی از محصولات دانش‌بنیان معرفی شده و مهم‌ترین اطلاعات در حمایت‌های مالی مرتبط با ارزیابی مالی اعتباری شرکت‌هاست و بهینه کردن فرایندهای تبادل اطلاعات در این دو موضوع می‌توان سهم قابل توجهی در بهبود حکمرانی این حوزه داشته باشد.

همچنین در خصوص حمایت‌های معافیت مالیاتی به دلیل تعارضات دنباله‌داری که در این خصوص وجود داشته -چه در خصوص اصل ارائه معافیت‌ها و

### مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در طراحی، اجرا و نگارش همه بخش‌های پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

### تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

## منابع فارسی

- جهان‌دیده، س.، رحمتی، م.ح.، و زارعی، ح. (۶۹۳۱). طراحی مدلی برای خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای در حوزه گردشگری کشور. *نشریه مدیریت فرهنگ سازمانی*، ۱۵ (۳)، ۵۰۲-۴۸۳.
- شریف زاده، ف.، حقی، ع.، حسین پور، د.، و میرمحمدی، م. ارائه مدلی با رویکرد شبکه‌ای به خط‌مشی‌گذاری کارآفرینی. *پژوهش‌های مدیریت عمومی*، ۱۱ (۴۰)، ۲۶-۵.
- کریم‌میان، ز.، محمدی، م.، قاضی نوری، س.س.، و ذوالفقارزاده، م.م. (۱۳۹۸). طبقه‌بندی ویژگی‌های حکمرانی از طریق شبکه‌های خط‌مشی با استفاده از روش فراترکیب. *مدیریت دولتی*، ۱۱ (۳)، ۳۷۷-۴۰۲.
- مرکز پژوهش‌های مجلس. (۱۳۹۴). بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور: ۱۱. صندوق نوآوری و شکوفایی.

## References

- Adelle, C., Jordan, A., & Benson, D. (2015). The role of policy networks in the coordination of the European union's economic and environmental interests: The case of EU mercury policy. *Journal of European Integration*, 37(4), 471-89. [DOI:10.1080/07036337.2015.1004632]
- Adger, W. N. (2003). Social capital, collective action, and adaptation to climate change. *Economic Geography*, 79(4), 387-404. [DOI:10.1111/j.1944-8287.2003.tb00220.x]
- (Bainbridge Potts and O'Higgins, 2011). Rapid policy network mapping: A new method for understanding governance structures for implementation of marine environmental policy. *PLoS ONE*, 6(10), e26149. [DOI:10.1371/journal.pone.0026149] [PMID] [PMCID]
- Baykasoglu, A. (2014). A review and analysis of "graph theoretical-matrix permanent" approach to decision making with example applications. *Artificial Intelligence Review*, 42(4), 573-605. [DOI:10.1007/s10462-012-9354-y]
- Börzel, T. A. (2011). Networks: Reified metaphor or governance panacea? *Public Administration*, 89(1), 49-63. [DOI:10.1111/j.1467-9299.2011.01916.x]
- Bogason, P. (2001). Postmodernism and American public administration in the 1990s. *Administration & Society*, 33(2), 165-93. [DOI:10.1177/00953990122019721]
- Borrás, S. (2008). The widening and deepening of innovation policy: What conditions provide for effective governance? *Georgia Institute of Technology*, 1-29. <https://smartech.gatech.edu/handle/1853/39803>
- Börzel, T. (1997). What's so special about policy networks? An exploration of the concept and its usefulness in studying European governance. *European Integration online Papers (EIoP)*, 1(16), 1-31. <https://ssrn.com/abstract=302706>
- Borzel, T. A. (1998). Organizing babylon-on the different conceptions of policy networks. *Public Administration*, 76(2), 253-73. <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/1467-9299.00100>
- Braun, D. (2008). Lessons on the political coordination of knowledge and innovation policies. *Science and Public Policy*, 35(4), 289-98. [DOI:10.3152/030234208X310347]
- Braun, D. (2008). Organising the political coordination of knowledge and innovation policies. *Science and Public Policy*, 35(4), 227-39. [DOI:10.3152/030234208X287056]
- (Duit and Galaz, 2008), (Vignola, McDaniels, and Scholz, 2013), (Adger, 2003).. Governance and complexity—emerging issues for governance theory. *Governance*, 21(3), 311-35. [DOI:10.1111/j.1468-0491.2008.00402.x]
- Eberlein, B., & Kerwer, D. (2004). New governance in the European Union: A theoretical perspective. *Journal of Common Market Studies*, 42(1), 121-42. [DOI:10.1111/j.0021-9886.2004.00479.x]
- Elder, J., Kuhlmann, S., & Smits, R. (2003). New governance for innovation: The need for horizontal and systemic policy co-ordination. *Fraunhofer ISI Discussion Papers-Innovation Systems and Policy Analysis*, 1-28. <https://www.econstor.eu/bitstream/10419/28536/1/368668401.pdf>
- Erridge, A., & Greer, J. (2000). Policy network analysis of UK central government civil procurement. *Public Policy and Administration*, 15(4), 25-49. [DOI:10.1177/095207670001500403]
- Fawcett, Paul, and Carsten Daugbjerg. (2012). Explaining governance outcomes: Epistemology, network governance and policy network analysis. *Political Studies Review*, 10(2), 195-207. [DOI:10.1111/j.1478-9302.2012.00257.x]
- Howlett, M., Ramesh, M., & Perl, A. (2009). *Studying public policy: Policy cycles & policy subsystems*. Oxford: Oxford University Press. <https://www.amazon.com/Studying-Public-Policy-Cycles-Subsystems/dp/0195428021>
- Hu, X., Ying, T., Lovelock, B., & Mager, S. (2019). Sustainable water demand management in the hotel sector: A policy network analysis of Singapore. *Journal of Sustainable Tourism*, 27(11), 1686-707. [DOI:10.1080/09669582.2019.1652621]
- Islamic Parliament Research Center (2016). [Review of the budget bill for the whole country in 2016. 11. Innovation and Prosperity Fund (Persian)]. Retrieved from <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/952563>
- Jahandide, S., Rahmati, M. H., & Zareei Matin, H. (2017). [Modeling the network policymaking in the tourism in Iran (Persian)]. *Organizational Culture Management*, 15(3), 483-502. [DOI:10.1080/09669582.2019.1652621]

- Karimian, Z., Mohammadi, M., Ghazinoori, S. S., & Zolfagharzadeh, M. M. (2019). [Classification of Governance Features through Policy Networks Using Meta-synthesis Method (Persian)]. *Journal of Public Administration*, 11(3), 377-402. [DOI:10.1080/09669582.2019.1652621]
- Klijin, E. H., Koppenjan, J., & Termeer, K. (1995). Managing networks in the public sector: A theoretical study of management strategies in policy networks. *Public Administration*, 73(3), 437-54. [DOI:10.1111/j.1467-9299.1995.tb00837.x]
- Klijin, E. H., & Koppenjan, J. F. (2000). Public management and policy networks: Foundations of a network approach to governance. *Public Management an International Journal of Research and Theory*, 2(2), 135-58. [DOI:10.1080/14719030000000007]
- Laranja, M. (2012). Network governance of innovation policies: The Technological Plan in Portugal. *Science and Public Policy*, 39(5), 655-68. [DOI:10.1093/scipol/scs043]
- Mayntz, R. (1993). Modernization and the logic of inter-organizational networks. *Knowledge and Policy*, 6(1), 3-16. [DOI:10.1007/BF02692798]
- McGuire, M., & Agranoff, R. (2011). The Limitations of Public Management Networks. *Public Administration*, 89(2), 265-84. [DOI:10.1111/j.1467-9299.2011.01917.x]
- Van Meerkerk, I., Edelenbos, J., & Klijin, E. H. (2015). Connective management and governance network performance: The mediating role of throughput legitimacy. Findings from survey research on complex water projects in the Netherlands. *Environment and Planning C: Government and Policy*, 33(4), 746-64. [DOI:10.1068/c1345]
- Moretti, A. (2017). *The network organization: A governance perspective on structure, dynamics and performance*. New York: Springer International Publishing. [https://www.google.com/books/edition/The\\_Network\\_Organization/F2gpDwAAQBA-J?hl=en&gbpv=0](https://www.google.com/books/edition/The_Network_Organization/F2gpDwAAQBA-J?hl=en&gbpv=0)
- Provan, K., & Milward, H. (1995). A preliminary theory of interorganizational network effectiveness: A comparative study of four community mental health systems. *Administrative Science Quarterly*, 40(1), 1-33. [DOI:10.2307/2393698]
- Rhodes, R. A. W. & Rhodes, F. (1997). *Understanding governance: Policy networks, governance, reflexivity and accountability*. Milton Keynes: Open University Press. [https://www.google.com/books/edition/Understanding\\_Governance/dj4VAQAIAAJ?hl=en](https://www.google.com/books/edition/Understanding_Governance/dj4VAQAIAAJ?hl=en)
- Rhodes, R. A.W. (2007). Understanding governance: Ten years on. *Organization Studies*, 28(8), 1243-64. [DOI:10.1177/0170840607076586]
- Rhodes, R A W. (1996). The new governance: Governing without government. *Political Studies*, 44(4), 652-67. [DOI:10.1111/j.1467-9248.1996.tb01747.x]
- De Rynck, F., & Voets, J. (2006). Democracy in area-based policy networks: The case of Ghent. *The American Review of Public Administration*, 36(1), 58-78. [DOI:10.1177/0275074005282585]
- Salazar, M., & Holbrook, A. (2007). Canadian science, technology and innovation policy: The product of regional networking? *Regional Studies*, 41(8), 1129-41. [DOI:10.1080/00343400701530865]
- Sangbor, M. A., Safi, M. R., & Azar, A. (2019). [Application of Fuzzy Cognitive Maps (FCM's) to analysis and design the causal structure of sustainable supply chain management enabler's in the petrochemical industry (Persian)]. *Public Management Researches*, 12(43), 5-29. [DOI:10.1080/00343400701530865]
- Sharifzadeh, F., Haghi, A., Hoseinpoor, D., & Mirmohammadi, M. (2018). [Providing a model with a network approach to entrepreneurship policy (Persian)]. *Public Management Research*, 11(40), 5-26. [DOI:10.1080/00343400701530865]
- Streck, Ch., & Dellas, E. (2012). Governments and policy networks: Chances, risks, and a missing strategy. In F. Wijen, K. Zoeteman, & J. Pieters (Eds), *Handbook of globalisation and environmental policy: National government interventions in a global arena* (pp. 510-548). Cheltenham: Edward Elgar Publishing. [https://www.google.com/books/edition/A\\_Handbook\\_of\\_Globalisation\\_and\\_Environm/U4uG93kgDwUC?hl=en&gbpv=0](https://www.google.com/books/edition/A_Handbook_of_Globalisation_and_Environm/U4uG93kgDwUC?hl=en&gbpv=0)
- Vignola, R., McDaniel, T. L., & Scholz, R. W. (2013). Governance structures for ecosystem-based adaptation: Using policy-network analysis to identify key organizations for bridging information across scales and policy areas. *Environmental Science and Policy*, 31, 71-84. [DOI:10.1016/j.envsci.2013.03.004]

Warleigh, A. (2006). Conceptual combinations: Multilevel governance and policy networks. In M. Cini, & A. K. Bourne (Eds), *Palgrave advances in European union studies* (pp. 77-95). London: Palgrave Macmillan UK.  
[\[DOI:10.1057/9780230522671\\_5\]](https://doi.org/10.1057/9780230522671_5)